گفت‌وگو با حجت‌الاسلام امرالله حسنی‌نیا، معاون امور اوقافی، حقوقی و ثبتی سازمان اوقاف و امور خیریه

شفافیت؟ برای چه کسی؟

سامان موحدی‌راد: سازمان اوقاف و امور خیریه ایران سال‌هاست که متولی و مدیر موقوفات کشور است؛ موقوفاتی که گاهی یک شهر کامل را در بر می‌گیرد و بخش درخورتوجهی از آن هم در خارج از کشور قرار دارد؛ اما حجم بالای موقوفات و گردش مالی آن برای بسیاری محل سؤال است. چگونه ممکن است تمام زمین‌های یک شهروقف باشند و کسی نداند گردش مالی مالکان یا مستاجران این شهر با سازمان اوقاف چگونه پیش می‌رود؟ روی وب‌سایت سازمان اوقاف هیچ بخشی برای گزارش‌دهی شفاف در این زمینه وجود ندارد و اگر اخبار را هم مرور کنید، به گزارش درسنی نمی‌رسید. در سال‌های اخیر چندین و چند بار هم ماجرای تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف کلید خورد که البته به نتیجه‌ای نرسید. تا اینکه سرانجام در تابستان امسال و در پی دو مورد افشاگری درباره پرونده‌های مالی این سازمان نهایتا مجلس تحقیق و تفحص از این سازمان را تصویب کرد. پرونده‌های افشاشده به واگذاری برخی املاک وقفی به دو خانواده از جریان‌های خاص دلالت داشتند و واکنش‌های زیادی را هم به همراه داشت. این افشاگری‌ها البته با واکنش‌های سازمان اوقاف هم همراه شد. در هیچ‌کدام از این دو پرونده اتفاقی غیرقانونی رخ نداده است. شاید حرف سازمان اوقاف درست باشد؛ اما به نظر می‌رسد افکار عمومی چندان قانع نشده است. علت اینکه افکار عمومی با چنین پاسخ‌هایی قانع نمی‌شود، این مسئله نهفته است که اعتمادسازی میان مخاطب سازمان مطابق وضعیت روز انجام نگرفته است. این بی‌اعتمادی هم در چنین وقت‌هایی خودش را نشان می‌دهد و هم در یک صفحه بزرگ‌تر اعتماد عمومی به مسئله وقف و خیرعمومی را از بین می‌برد. همه این حواشی موجب شد تا به سراغ یکی از مدیران عالی‌رتبه اوقاف برویم. در میانه افشاگری‌های صورت‌گرفته در چند وقت اخیر با حجت‌الاسلام امرالله حسنی‌نیا، معاون امور اوقافی، حقوقی و ثبتی سازمان اوقاف و امور خیریه، گفت‌وگو کردیم. محور گفت‌وگوی ما درباره مسئله شفافیت در این سازمان بزرگ با گردش مالی درخورتوجه است. در همان ابتدای گفت‌وگو با آقای حسنی‌نیا گفتیم که اوقاف سازمانی در سایه است؛ اما نپذیرفت. اگرچه به نظر پاسخ‌هایی که در ادامه به سؤال‌های ما درباره مسئله شفافیت داد، تاییدکننده این ادعا بود. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگویی مفصل با معاون امور اوقافی، حقوقی و ثبتی سازمان اوقاف و امور خیریه، درباره شفافیت در این سازمان است. گفت‌وگویی که یک پاسخ مشخص از طرف ایشان دارد: هرکسی به سازمان بیاید در خدمتش هستیم؛ اما گزارشی را در معرض افکار عمومی قرار نمی‌دهیم!

عکس: عباس توکلی، شرق

◆ در جریان هستید که در چند وقت اخیر حواشی‌ای راجع به برخی قراردادهای اوقاف ایجاد شد. از سوی دیگر سازمان اوقاف هم یک سازمان در سایه است که گزارش‌دهی‌های شفافی ندارد و در چنین مواقعی حمله‌ها به این سازمان زیاد می‌شود. شما اتفاقات اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من مایلم ماجرا را از کمی قبل توضیح دهم و کمی درباره سازمان اوقاف و چالش‌های تاریخی‌اش صحبت کنم. این سازمان در ایران اداره موقوفات را برعهده دارد؛ اما اداره موقوفات به این سادگی‌ها نیست. برای نمونه در دوران پهلوی یا باطل اعلام کردیم. شرعا و به قانون ملک وقفی را نمی‌توان فروخت. باطل اعلام کردیم و کفتیم بیاید سند را جدا تنظیم کنید. در همه این سال‌هایی که این ماجرای حقوقی در جریان است، یک درصدی از مردم به دلیل تدینی که داشتند، تمکین کردند؛ اما درصد زیادی از مردم که بیشتر هم در شهرهای وقفی هستند، تمکین نکردند و همچنان خودشان را مالک می‌دانند.

ما سال‌هاست که با این مسئله درگیر هستیم. از آنجایی که در یک شهر مالک بخش زیادی از زمین‌های شهر هستند، این مسئله (تمکین‌نکردن مردم به نظر سازمان اوقاف در تنظیم سند اجاره) حتی به یک خواست اجتماعی تبدیل شده و چهره‌ها و افرادی هم از این موضوع استفاده سیاسی می‌کنند. تا این حد که نمایندگان مجلس در مطالعه موضوع‌گیری تندی را اوقاف داشتند.

در هر دوره‌ای از مجلس، بعضی از نماینده‌ها به جای اینکه بنشینند مشکل را حل کنند و یک راهکار اجرایی به سازمان بدهند، سازمان را به چالش کشانده‌اند که ما سازمان اوقاف با مردم خوب رفتار نمی‌کند و بحث استیضاح وزیر ارشاد را احضار وزیر را پیش می‌کشیدند. در مجموع در همه این سال‌ها این نارضایتی در بدنه مردم ایجاد شده؛ چراکه مدعی هستند زمین‌های وقفی مال آنهاست و هم طبق قانون و وقفیت آنها باید عمل کنیم. چنین چیزی در بعضی از شهرهای وقفی‌مان وجود داشت. به هر حال مسئله ماه هم است. برخی از این زمین‌ها بعضا ترزشمند شده‌اند و ما هم برای آنها احکام قضائی گرفته‌ایم و این موضوع را اجتماعی کرده است. این یکی از چالش‌هایی است که در زمینه سازمان اوقاف و دید عمومی به آن وجود دارد.

مسئله دوم دیرباره نگاه عمومی به وقف این است که تقریبا هیچ‌کس کاری برای احیای فرهنگ وقف انجام نمی‌دهد. من ۲۰ سال است که در این سازمان هستم و کمتر دیده‌ام که کسی به این سازمان بیاید و بخواهد درباره فرهنگ وقف و دعوت مردم به این کار خیر فرهنگ‌سازی یا تبلیغی انجام دهد. هرکسی به ما مراجعه می‌کند یا از اوقاف ملک می‌خواهد یا پول! تعداد زیادی از مسئولان، ائمه جمعه، نمایندگان مجلس و... به ما مراجعه می‌کنند و درخواست این‌چنینی دارند.

سازمان هم از نظر شرعی نمی‌تواند به همه خواسته‌ها پاسخ دهد؛ چون هر موقوفه‌ای یک نیت خاص دارد و یک حیات خاصی دارد و مثلا به یک مکان می‌گوید کسی که در این سازمان بیاید و بخواهد درباره فرهنگ وقف و دعوت مردم به این کار خیر فرهنگ‌سازی یا تبلیغی انجام دهد. هرکسی به ما مراجعه می‌کند یا از اوقاف ملک می‌خواهد یا پول! تعداد زیادی از مسئولان، ائمه جمعه، نمایندگان مجلس و... به ما مراجعه می‌کنند و درخواست این‌چنینی دارند.

تقریبا هیچ‌کس کاری برای احیای فرهنگ وقف انجام نمی‌دهد. من ۲۰ سال است که در این سازمان هستم و کمتر دیده‌ام که کسی به این سازمان بیاید و بخواهد درباره فرهنگ وقف و دعوت مردم به این کار خیر فرهنگ‌سازی یا تبلیغی انجام دهد. هرکسی به ما مراجعه می‌کند یا از اوقاف ملک می‌خواهد یا پول! تعداد زیادی از مسئولان، ائمه جمعه، نمایندگان مجلس و... به ما مراجعه می‌کنند و درخواست این‌چنینی دارند.

در بخش‌هایی خوب نبوده. یک درصدی هم البته شاید برای این باشد که اوقاف نتوانسته شفاف‌سازی کند. البته در مسئله شفاف‌سازی خواص همه می‌دانند. امور مالی اوقاف از سال ۹۰ به بعد شفاف‌ترین سامانه را دارد، ولی به اطلاع چه کسی برسد؟ خواص می‌دانند و مردم آنجایی که نیاز دارند و ارتباط دارند می‌بینند. آنهایی هم که ممکن است با اوقاف ارتباط نداشته باشند، چنان شناختی از اوقاف ندارند.

ما در این مسئله به این نتیجه رسیدیم که مردم یعنی بدنه جامعه چندان تجربه را در تهران بیاورید و بگویید که ما مثلا درآمدش در سال ۹۳ چه عددی بوده و کجا هزینه شده است. اما این امر آبا باید به چه کسی ساخت دهم؟ به مردم؟ همه مردم؟ و اینکه بگذارم بگذارم؟ در سایت بگذارم؟ یا به واحدهای نظارتی حاکمیتی که مراجعه کردند. بدهیم. آنها کاری به اوقاف ندارند و ارتباطی هم ندارند؛ ولی هر سازمانی که ارتباط داشته و مراجعه کرده، اوقاف پاسخ داده است.

◆ طبیعتا بهتر است گزارش‌هایتان را در وب‌سایت بگذارید. الان من به عنوان روزنامه‌نگار وقتی خواستم برای مصاحبه با شما آماده شوم گزارش مالی در سازمان شما ندیدم. برای همین است که می‌گوییم سازمان شما در سایه قرار دارد. چون جریان مالی شما برای ما از بیرون محل سؤال است. شما می‌گویید هرکسی بیاید اینجا من به او می‌گویم که در فلان بقعه متبرکه در سال چندریول ریخته شده است. من از کجا باید به این عدد اعتماد کنم. چون بالاخره مثلا مالی ممکن است به آن شبهه وارد شود. مثلا ممکن است یک امامزاده‌ای در ضریحش پنج میلیارد پول ریخته باشند ولی ۱۰ میلیارد اعلام شود. این فرایند به چه شکلی برای من شفاف می‌شود؟ و اینکه این گزارش‌ها چرا روی سایت بودن ممکن است نیاز نباشد

سؤال خوبی است. اول اینکه درباره روی سایت بودن ممکن است نیاز نباشد که به حرف ما دست بزنید باشد.

◆ خب من اینجا به حرف‌های خود شما درباره کمرنگ شدن فرهنگ وقف اجرای می‌دهم. چگونه انتظار دارید که گزارش شفافی به مردم ندهید. ولی فرهنگ وقف هم بسیار ترویج شود و آنها برای وقف‌کردن مشتاق باشند؟

اگر ما آن را باید بنشینید بیاید که آیا واقعا این نیاز است که گزارش‌ها روی سایت باشد. اگر ما گزارش‌ها را روی سایت بگذاریم همه به سایت مراجعه می‌کنند؟ ولی آمادگی داریم که به شما در همین جلسه و همین‌جا گزارش‌ها را نشان دهیم. وقف بگذارید، من سامانه جامع اوقاف را بزنم. از سال ۹۰ گزارش‌ها را ببینید. هر امامزاده‌ای که می‌گویید بررسی کنیم و هم روشی که چگونه مثلا نذورات جامع و ثبت و ضبط می‌شود و کجا هزینه می‌شود. ما سال ۹۱ سامانه جامع را راه انداختیم و نهادهای نظارتی آمدند و قوانین را بررسی کردند. در اوقاف اصلا به غیر از این چنین گزارش را پخش کنید. دیگر حسابی وجود ندارد و چک را هم از اوقاف جمع کردیم و همه کارها با حواله انجام می‌شود. برای جمع‌آوری نذورات چه کار می‌کنید؟ مثلا برای غیاروبی اوقاف را دعوت می‌کنند. می‌آیند ضریح امامزاده را باز می‌کنند. سه چهار تا نفر دارند. نماینده حراست. نماینده بازرسی و بعضا نماینده تاک حضور پیدا می‌کنند. همان‌جا پول‌ها را شمارش می‌کنند. همان‌جا ضبط می‌کنند و تحویل بانک می‌دهند و آن را به سامانه جامع وارد می‌کنیم و وارد حساب خاص خودش نمی‌شود. یک درصدی از این برای مدیریت اوقاف است که به خادم و افراد و... داده می‌شود. اگر امامزاده کار عمرانی داشته باشد یک مبلغی برای آن در نظر می‌گیرند. هر امامزاده‌ای که حساب جدا دارد. آن را مثل یک شرکت در نظر بگیرید که یک‌سری کارمند دارد که باید حقوق بگیرند و یک‌سری هم هزینه‌ها دارند و در آخر سال هم باید بیایند از اداره تحقیق مفاصا حساب بگیرند که مثلا فلان امامزاده براساس سیاست‌ها و دستورالعمل‌های سازمان هزینه کرده است یا خیر. همین الان شما می‌توانید تشریف داشته باشید تا سامانه را باز کنیم و ببینید تا کامل شفاف شود.

◆ شما در مدت حیات پرتیراژ با دیگرای‌ها با مثلا نظارتی از طرف واحدهای مبارزه با پول‌شویی نداشتید؟

نه. مطمئن‌ترکه گفتند سازمان بازرسی به‌صورت دائم و نه به‌صورت مقطعی در سازمان مستقر است. چون سازمان بازرسی می‌تواند به صورت مقطعی هم به سازمانی بروید اما از سال ۹۰ هر دو سازمان هستم سازمان بازرسی در اوقاف همیشه وجود داشته است. سؤالتان هم بارها آمده و رفته و نزدیک چندین پوشه از مکاتبات با آنها داریم. تا حالا حتی یک پرونده تخلفاتی نداشتیم که به دادگاه ارجاع شده باشد؛ با سازمان هم با همیشه همکاری‌ای در سیستم بزنید. مشخص می‌شود که مثلا در سال ۹۴ چه پولی از اوقاف گرفته‌اند. این هم که گفتید مالی‌اش؛ کد ملی درست کنید که آمده به اوقاف مراجعه کرده است. این سامانه شفافیت درون‌سازمانی دارد ولی خلا شما می‌فرمایید این را مردم بدانند. خب آخر مردم چقدر به این نیاز دارند؟ چقدر را خواستند و توضیح دادند؟

◆ در بخش اول صحبت‌تان اشاره‌ای به برخورد حواس با سازمان اوقاف دارد که نامشخص است (نامشخص از این جهت که نمی‌شود تخمین زد که مثلا اوقاف چقدر در سال ممکن است ورودی مالی داشته باشد) و از سوی دیگر اعلام نمی‌شود این پولی که نمی‌دانیم چقدر است در کجاها هزینه می‌شود؟

ببینید! گروه هدف ما چه کسی باشد؟ ببینید! ما یک موقوفه داریم، موقوفه علیهم داریم که با اوقاف کار می‌کند. ما هم باید حق‌شان را بدهیم. مالی اوقاف را نه یک بار، نه دو بار بله شاید ۱۰ بار اعلام کردیم که درآمد سالانه بقاع متبرکه این است. آن هم هر بقعه درآمدش برای خودش است؛ مثلا شما امامزاده صالح در سال ۹۵ چه ارتباطی به اوقاف دارد؟

◆ به هر حال آقای خاموشی مدیر رده‌بالا هست یا نه؟

مدیر رده‌بالای حکومتی باشد. اصلا رئیس‌جمهور یا وزیر باشد. چه ارتباطی با اوقاف دارد؟ چه از اوقاف می‌داند؟ شما برو از وزیر صنعت و معدن بپرس که آقا! از اوقاف چه می‌دانی؟ الان بروید از رئیس سازمان تبلیغات بپرسید. بگویید که شما از اوقاف چه می‌دانید؟

◆ شما اگر یک آدم بیرون از سازمان باشید و این معامله را ببینید، چه برداشتی می‌کنید؟ مثلا فرض کنیم شما یک کشاورزی در این روستای وقفی باشید. اگر این معامله را ببینید که این شکلی انجام شده، چه برداشتی دارید؟

بیش از صد هزار معامله شفاف ببینید (بر در سال انجام می‌شود. من اگر مالک املاک نسق‌دار بودم، کامل می‌دانم که آزاد صنعت نسق را به هر کسی که دوست دارم بفروشم. به اوقاف هم چیز اوقافی ندارد. به متولی موقوفه هم ارتباطی ندارد. من دارای حق و حقوق نسق هستم. حالا مسئله نسق را هم داشته؛ اما که کشاورزی می‌کند و روی زمینت کار می‌کند، در جریان آن هستم. من حق سرقفلی را می‌خواهم به هر کسی که دوست دارم بفروشم. به مالک ارتباطی ندارد. الگای مالک! من امروز سرقفلی را می‌فروشم و همه حقوقت را بگیر و با بعدی انتقاج اجاره بکن. در این ماجرا هم معامله صورت‌گرفته هیچ ارتباطی با اوقاف نداشته که بخواهد دخالت کند.

اصلا کاری به اوقاف ندارم. آقای خاموشی در سال ۹۵ چه ارتباطی به اوقاف دارد؟

◆ به هر حال آقای خاموشی مدیر رده‌بالا هست یا نه؟

مدیر رده‌بالای حکومتی باشد. اصلا رئیس‌جمهور یا وزیر باشد. چه ارتباطی با اوقاف دارد؟ چه از اوقاف می‌داند؟ شما برو از وزیر صنعت و معدن بپرس که آقا! از اوقاف چه می‌دانی؟ الان بروید از رئیس سازمان تبلیغات بپرسید. بگویید که شما از اوقاف چه می‌دانید؟

◆ شما اگر یک آدم بیرون از سازمان باشید و این معامله را ببینید، چه برداشتی می‌کنید؟ مثلا فرض کنیم شما یک کشاورزی در این روستای وقفی باشید. اگر این معامله را ببینید که این شکلی انجام شده، چه برداشتی دارید؟

بیش از صد هزار معامله شفاف ببینید (بر در سال انجام می‌شود. من اگر مالک املاک نسق‌دار بودم، کامل می‌دانم که آزاد صنعت نسق را به هر کسی که دوست دارم بفروشم. به اوقاف هم چیز اوقافی ندارد. به متولی موقوفه هم ارتباطی ندارد. من دارای حق و حقوق نسق هستم. حالا مسئله نسق را هم داشته؛ اما که کشاورزی می‌کند و روی زمینت کار می‌کند، در جریان آن هستم. من حق سرقفلی را می‌خواهم به هر کسی که دوست دارم بفروشم. به مالک ارتباطی ندارد. الگای مالک! من امروز سرقفلی را می‌فروشم و همه حقوقت را بگیر و با بعدی انتقاج اجاره بکن. در این ماجرا هم معامله صورت‌گرفته هیچ ارتباطی با اوقاف نداشته که بخواهد دخالت کند.

اوقاف یک موقوفاتی دارد و یک نیتی هم دارد که می‌رود جایا با دوست با غلط انجام می‌دهد؛ اما مثلا فرض بگیریم حتی من رئیس سازمان اوقاف باشم. چه ارتباطی می‌تواند با کشاورزهای نسق‌دار داشته باشم؟ اوقاف اصلا متولی آنها نیست. ما چند مدل در وقف داریم؛ مثلا الان متولی یک وقفی در کانادا نشسته و وکیل او در بازار تهران موقوفه‌اش را اداره می‌کند. اگر ما بروم بپرسیم، می‌گوید به شما ربطی ندارد. این فتوای همه مراجع است و این هم رای دیوان عدالت اداری که ما (اوقاف) حق دخالت در کار متولی را نداریم.

در آن ماجرا که اصلا اولا موقوفه‌ای برای اوقاف نبوده و در اختیار اوقاف نبوده، که سندش در اوقاف نیست. اوقاف تشریفش می‌شود و به اوقاف تمکینی دارد.

◆ خب سال به این سادگی هم نیست. من با دوستانی در قزوین هم صحبت کردم. موضوع این است که ممکن است قیمت چند برابر شده باشد و در اوقاف شفاف باشد و برای خانواده‌ها هم چنین معامله‌ای کرده باشد.

نه. حق وقفش را ارزان نفروخته است.

◆ اصلا این سؤال را می‌توانید بپرسید؟ آن کسی که این حق نسق را فروخته، آیا بروند برای او اوقاف بر سر سر ارباب ملاکش دارد یا نه؟

نه. یک شرکتی آنجا را خریده بوده که این شرکت حالا به ایشان فروخته؛ یعنی شرکت رفته کشاورزهایی را که خودکشاورز بودند و سهم‌های‌شان کم بوده، همه سهم‌های‌شان را خریده و یک‌سهم را بزرگ کرده است. یک کسی ۵۰ هکتار در اختیارش بوده؛ بلکه هزینه سهم ۲۰ تا کشاورز را یعنی در واقع حق نسق‌شان را خریده است. در گزارش‌ها هم همه چیز مشخص است. من می‌گویم بیت این ماجرا یک چیزی کاملا سیاسی بوده و پشت پرده قضیه‌ای سیاسی بود. این مسئله یک موضوع تردیدی به یقین برای من است؛ چون این پرونده اصلا ربطی به وقف ندارد.

الان بیش از هشت هزار متولی در کشور هستند که موقوفه اداره می‌کنند و کاری هم به اوقاف ندارند. اگر بخواهند از مالیات معاف شوند، مفاصا می‌گیرند. اگر نخواهند که خوب خودشان می‌روند مالیات‌شان را هم پرداخت می‌کنند. اگر هم یکی از این متولی‌ها بخواهد که قزوین واقف بوده است و معامله‌ای‌اش در سهم وقف‌اش و نه در سهم شخصی‌اش یک بقعه معامله شخصی صورت گرفته و ارتباطی با سازمان نداشته؛ ولی خوب این معامله سیاسی‌ای بود که ایجاد کردند. من اولش نظرم این بود که آنجا سازمان هیچ جنز کوبند. تنها یک نامه به دادستان می‌نویسید که آقای دادستان کشورا شما بررسی کن اگر تخلفی صورت گرفته است. برخورد کنید. اگر تخلفی صورت نگرفته است، با کسی که این تشویش اذهان را کرده برخورد کنید. دادستان کل کشور تبریز بگذارد و دادستانی قزوین بررسی کند. گزارش نهایی را هم کامل بخش کنید تا مردم در جریان قرار بگیرند.

دادستان کشور بیاید اظهارنظر کند. ما از اینش دعوت هم کردیم و به امام هم زدیم و گزارش هم دادیم که این بوده و این اسناد اجراهایش. این به معامله‌نامه‌اش و اصل این اسناد هم فرودندها. فروشنده‌ها را بیاورند بیرسند اقای فروشنده! آیا زمانی که شما فروختید، می‌دانستید که آقای خاموشی دو سال بعد می‌خواهد به سازمان اوقاف برود؟ اصلا خود آقای خاموشی می‌دانست؟ آیا واقعا خداوکیلی در این معامله‌ای که صورت گرفت، شما اصلا واقف را می‌دانستید و کاری با اوقاف تا حالا داشته‌اید؟

◆ شما اگر یک آدم بیرون از سازمان باشید و این معامله را ببینید، چه برداشتی می‌کنید؟ مثلا فرض کنیم شما یک کشاورزی در این روستای وقفی باشید. اگر این معامله را ببینید که این شکلی انجام شده، چه برداشتی دارید؟

بیش از صد هزار معامله شفاف ببینید (بر در سال انجام می‌شود. من اگر مالک املاک نسق‌دار بودم، کامل می‌دانم که آزاد صنعت نسق را به هر کسی که دوست دارم بفروشم. به اوقاف هم چیز اوقافی ندارد. به متولی موقوفه هم ارتباطی ندارد. من دارای حق و حقوق نسق هستم. حالا مسئله نسق را هم داشته؛ اما که کشاورزی می‌کند و روی زمینت کار می‌کند، در جریان آن هستم. من حق سرقفلی را می‌خواهم به هر کسی که دوست دارم بفروشم. به مالک ارتباطی ندارد. الگای مالک! من امروز سرقفلی را می‌فروشم و همه حقوقت را بگیر و با بعدی انتقاج اجاره بکن. در این ماجرا هم معامله صورت‌گرفته هیچ ارتباطی با اوقاف نداشته که بخواهد دخالت کند.

◆ یکی از موضوعات چالش‌برانگیز دیگر درباره سازمان اوقاف و ماجرای شفافیت آن مسئله تحقیق و تفحص بعضی از این سازمان است که طی سال‌ها بارها پرونده‌اش باز می‌شد اما به نحوی خوش آن گرفته می‌شد.

ما که این قدرت را نداریم که جلوی آن را بگیریم. اگر کسی جلوی آن را گرفته، ما نمی‌دانیم.

واقعیت این است که ما مانند سازمان بازرسی که اینجا مستقر است و همه چیز را به ریز بررسی می‌کند ما هیچ ابایی نداریم که عده‌ای بیایند اینجا و به ریز همه چیز را بررسی کنند. شفاف می‌کویم که واقعا هیچ ابایی نداریم. ولی شما می‌دانید؛ تحقیق و تفحص یک جنبه‌اش این است که در فلان سازمان کاری درست یا غلط انجام شده و یا این تحقیق قرار است آن را بفهمند. اما جنبه دیگرش این است که با تبعاتی سیاسی همراه خواهد بود. یک تبعات اجتماعی دارد. همین که می‌کویم آن یک جایی تحقیق و تفحص صورت نشد. به هر حال به شهرت آنجا اثرات وارد می‌شود. شهرت آنجا دیگر منتظر نتیجه نمی‌ماند و با شنیدن همین خبر در رسانه‌ها قضاوت‌ان را راجع به این سازمان انجام می‌دهند. نظر همین خبرهایی که سایت‌ها یا روزنامه‌ها می‌زند و می‌گویند مثلا فلانی اختلاس کرد. ممکن است دو- سه ماه بعد حکم برائتش را بکیرد اما همه او را با خبر اختلاس می‌شناسند. در مورد تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف هم چنین است. ما توانایی اینکه جلوی حمایت را برای این کار بکیریم نداریم و نخواهیم داشت؛ ولی اگر کسی از نماینده‌های مجلس آمد و نشست و بحث کرد در خدمتش هستیم. اما اگر این (تحقیق و تفحص) شروع شود نتیجه منفی در اعتماد مردم خواهد داشت.

◆ پس پیشنهاد شما این است که مجلس به جای تحقیق و تفحص بیاید در سازمان شما بنشیند و ببیند اوضاع چگونه است؟

یک گروهی را مجلس بگذارد، چه مانعی دارد؟ بدون توضیح تحقیق و تفحص؛ به اینجا بیاید و همه موارد را بررسی کند. ببینند که اوقاف چه در درآمدی و در هزینه‌ای، پول‌ها از کجا می‌آید و کجا می‌رود؟ در سایت‌گذاری برنامه‌هایی دارد و آیا برنامه‌های اجرایی‌اش مطابق سیاست‌هاست؟ بنشینند، بررسی کنند و گزارش بگیرند. هیچ مانعی هم بر سر کارشان نیست. ما در اینجا هم خانه دو- سه نماینده‌های شهرهای مختلف داریم که به خاطر مثال حوزه‌های انتخابی‌شان به ما سر می‌زنند. اما بردن تحقیق و تفحص به مجلس دور بعد است. مردم به این چیزهای سیاسی می‌گویند که مشکلاتی دارند. ریشه اصلی اکثر مشکلات، همین قضیه اوقاف بود که آوراضی است که نتیجه اصلاحات اوضاع در دوران قبل از انقلاب است. در دوره سوم اصلاحات اوضاع موقوفات را به مردم واگذار کردند؛ یعنی به مردم فروختند. به این ترتیب مردمی که روی آن زمین بودند از رعیت به مالک تبدیل شدند؛ یعنی سال‌ها زمین برای آنها بود و اجاره می‌کردند و بعد یکباره با طرح اصلاحات ارضی با پرداخت پول مالک شدند. در این میان داستان‌های زیادی هم وجود دارد. به هر حال زمین‌ها در آن زمان زیادی نداشته‌اند اما الان بسیار ارزشمند است. به هر حال با این طرح بسیاری‌های صورت‌گرفته، غیرقانونی و غیرشرعی بودن فروش املاک وقفی اعلام شد. این در حالی بود که بیش از دو دهه این افراد به عنوان مالک روی زمین کار می‌کردند و حال حقی برای آنها شده است.

به هر روی در قانون سال ۶۳ آن بحث فروش وقف غیرشرعی اعلام شد و اسناد مالکیت‌های آنها باطل شد و مکلف شدند که بیایند و اوقاف تنظیم اجاره کنند. این به آن معنا نیست که اوقاف زمین‌ها را از آنها پس گرفته، بلکه فقط سند مالکیت را به سند اجاره تبدیل کرد. این مسئله موجب نارضایتی عده‌ای شده و به‌ویژه در شهرهای وقفی که کل شهر وقف است. هم نارضایتی و هم انتظاراتی را پدید آورده است. در چنین شرایطی هم از شهری یک نفر با اعداد سیاسی بلند می‌شود و ادعا می‌کند که مثلا من این کار را از وقفیت حراج می‌کنم.

به سایت‌ها و روزنامه‌ها نگاه کنید می‌بینید که ادعاهایی از این دست که مثلا به من مجلس می‌روم و شهر را واگذار خواهم کرد می‌کنم؛ زیاد است. وقتی چنین توقعی برای مردم ایجاد می‌شود، دیگر آنها به قوانین وقف تمکین نمی‌کنند. دیگر ارجاع‌شان را نمی‌دهند و از سویی اوقاف هم نمی‌تواند به اینها اسناد مالکیت بدهد و مثلا بنده بدهد که آنها بروند سند اعیان بگیرند و کارهای اداری‌شان را انجام بدهند. در این بین یک مقدار نارضایتی اجتماعی به وجود می‌آید و راهکار قضائی هم نیز قرار ندارد؟ چون یک شهر را که می‌گیرید سند خلع ید کرد. علیه ۲۰ هزار یا ۱۰ هزار نفر (من حداقل را می‌گویم) نمی‌شود رفت دادخواست داد و اینها را به دادگاه کشاند. ما هم راهکار قضائی را برای این کار هیچ‌وقت پیشنهاد ندادیم و هیچ‌وقت هم نرفتیم. دوست داشتیم با کفت‌وگو و صحبت و با مسائل شرعی وقف و تبلیغ وقف و با پرداخت‌ها و کمک‌ها، بخشی از آن را حل کنیم. این یکی از چالش‌های مهمی است که بعضی‌ها اجیاء می‌کنند. بعضا با این وعده‌ها به مجلس هم راه می‌یابند و این بیروزی آنها توقع‌ها را بیشتر می‌کند و درگیری آنها را با اوقاف و اقدامات‌شان علیه وقف و خیر عمومی می‌کند. وقتی نماینده مجلس می‌شوند نیز می‌گویند با هدف کمپین می‌خواهم مشکل وقف این شهر را حل کنم. آمده‌ام؛ اما در مقام اجرا می‌بینند یا دیدار قانون حقوقی را با قانون اوقاف برخورد می‌کنند. ما حق وقف را نمی‌توانیم از بین ببریم؛ وقتی ملکی، زمینی، جایی وقف شد یعنی کسی باید این حق وقف را برداخت کند. به این ترتیب می‌شود یکی از چالش‌هایی که برخی از نمایندگان شهرهای وقفی با سازمان دارند.

◆ جریانات سیاسی وارد این دعواها نمی‌شوند؟

من خیلی این مسئله را درکیر درعاهای سیاسی نمی‌بینم؛ چون وقف یک مسئله شرعی است و همان‌طور که گفتم چالش عمده آن هم در شهرهای وقفی است. حالا اینکه در آن شهرها کدام جریان سیاسی بخواهد نماینده شود هر بار فرق می‌کند. اما این درخواست و توقع همیشه وجود دارد. بعضا برخی از نماینده‌ها که مطالعه می‌کنند، خودشان از مسائل وقفی سر درنمی‌آورند. مثلا ما با نماینده‌ای نشستیم و صحبت کردیم. طرح رشته‌ای پزشکی است. پزشک بوده و حالا آمده نماینده مجلس شورای اسلامی شده است. این را شما باید به او چرخه راجع به وقف توضیح دهید که آقا! وقف نیت دارد. جهت دارد، واقف داشته و اینجا باید مصرف بشود چندان در منظومه فکری‌اش نمی‌نجد. مثلا مدعی است که شما باید مساجد شهر ما را بسازید. چرخه اجتماعی را ما از تامین کنیم که مساجد شهر شما را بسازیم. در مجموع خیلی جریان سیاسی به عنوان خیری یا گروه را من خیلی در این ماجرا درخیل نمی‌بینم؛ چون معمولا در جریان‌های سیاسی آدم‌های متشرع هم بسیار درخیل نیستند. برخی‌شان خیلی به وقف آشنا هستند. خیلی بر سر مسئله با نماینده‌های شهرهای مختلف درگیر نیستیم که به خاطر مثال حوزه‌های انتخابی‌شان به ما سر می‌زنند. اما بردن تحقیق و تفحص به مجلس

◆ یکی از موضوعات چالش‌برانگیز دیگر درباره سازمان اوقاف و ماجرای شفافیت آن مسئله تحقیق و تفحص بعضی از این سازمان است که طی سال‌ها بارها پرونده‌اش باز می‌شد اما به نحوی خوش آن گرفته می‌شد.

همان‌طور که عرض کردم، یک چالش مهم که ما در انتخابات به‌ویژه انتخابات مجلس داریم، مسئله وعده و وعید کاندیداها درباره زمین‌های وقفی است؛ چون بخشی از شهرهای ما یا به صورت شش‌دانگ وقف هستند یا به صورت مشاع یک‌دانگ یا دودانگ. خب مردم آن منطقه هم مراجعه می‌کنند به کسی که یا نماینده مجلس است و می‌خواهد برای دور بعد هم نماینده شود یا کاندیدای کرد و بعد یکباره با طرح اصلاحات ارضی با پرداخت پول مالک شدند. در این میان داستان‌های زیادی هم وجود دارد. به هر حال زمین‌ها در آن زمان زیادی نداشته‌اند اما الان بسیار ارزشمند است. به هر حال با این طرح بسیار ارباب رعیتی حیز شد و همه مالک زمین شدند، اما در سال ۱۳۶۳ و بررسی‌های صورت‌گرفته، غیرقانونی و غیرشرعی بودن فروش املاک وقفی اعلام شد. این در حالی بود که بیش از دو دهه این افراد به عنوان مالک روی زمین کار می‌کردند و حال حقی برای آنها شده است.

ما ابایی از تحقیق و تفحص نداریم؛ اما با تبعات اجتماعی آن مشکل دارم. هرکسی از مجلس می‌خواهد در این زمینه سؤالی داشته باشد. خود من درخدمتش هستم. ۱۸ سال است در سازمان هستم و همه جای آن را به‌خوبی می‌شناسم و می‌توانم به همه سؤال‌ها پاسخ دهم. من پیشنهاد می‌دهم مجلس همان کمیسیون اصل ۹۰ را به سازمان بفرستند. ما هم همه اسناد و مدارک را در اختیارشان قرار می‌دهیم. کارشناس‌ها بیایند بررسی کنند.

◆ یعنی تحقیق و تفحص را تصویب نکنند ولی بیایند اینجا این کار را انجام دهند.

من که صلاحیت قرارداد بگویم تصویب کنند یا تصویب نکنند. می‌گویم اینجا در سازمان اوقاف به روی آنها باز است. بدون تحقیق و تفحص هم شب و روز اینجا باشند. نمی‌خواهم بگویم که ما اینهایی هم داریم اتفاقا بروند کردن بدهند که ما رفتیم اینجا فساد بود. یا بکویند فلان جا را واگذار کردند یا فلان جا را فروختند و فلان پول را خلاف جهت نیشتن هزینه کردند. بروند. اصلا گزارش آن را بدهند. اصل ۹۰ که تمکین اختیاراتی را دارد و همه‌شان هم در سازمان هم به روی آنها باز بوده و باز هم هست. مانع تحقیق و تفحص هم نمی‌شویم.

◆ در چند ماه اخیر یکی، دو پرونده در سازمان اوقاف با حواشی زیادی همراه شد؛ ازجمله افشای قراردادهای واگذاری زمین‌های وقفی به وابستگان آقای خاموشی.

درباره این مسئله در رسانه‌ها و فضای مجازی زیاد صحبت شده. در این نوع مسائل تکنیک این‌گونه است که شبهه را به‌خوبی جا می‌اندازند و همه، شبهه را می‌پذیرند. الان شما مثلا به شهرستان‌ها می‌روم و همه می‌برسند که مثلا چه شده و ما باید توضیحات حقوقی برای آنها بدهیم که حوصله شنیدنش را ندارند.

در این مسئله مدیریت سازمان اوقاف و بحث اداره موقوفات را هم جدا می‌دانم و روی این قسمت کاری ندارم؛ ولی معتقدم این موضوع یک حمله شخصی و فردی برای سازمان بوده که به دلیل جایگاه حقوقی‌شان ضربه‌ای هم به سازمان وارد کرد؛ چون الان همه این پرونده را به‌عنوان رئیس سازمان می‌گویند. به‌عنوان شخص آقای خاموشی. این یک ضربه سلب اعتماد بود که حتی به من کارمند سازمان هم مقداری ضربه زد. کارمندان این سازمان خیلی‌شان به ما اعتقاد دارد می‌کن